

## بررسی مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت

مرتضی کرمی<sup>۱</sup>  
کیومرث فرح‌بخش<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت انجام شد؛ به عبارت دیگر این پژوهش برای پاسخ به این سؤال انجام شد که عوامل اصلی افزایش امنیت اجتماعی در کشور از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت کدام‌اند؟ روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه آماری این پژوهش را صاحب‌نظران و نخبگان حوزه امنیت تشکیل داده‌اند. در این پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. حجم نمونه در گروه مذکور بر اساس اشیاع مقوله‌ها و اطلاعات شناسایی شده ۱۴ نفر بود. محقق برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه استفاده نمود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت، به سه حیطه فردی، اجتماعی و حاکمیتی دسته‌بندی می‌شود. در حوزه فردی مؤلفه‌هایی نظیر طرح‌واره‌های شخصی، نیاز به امنیت، ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت، احساس محرومیت و احساس تعلق؛ در حوزه اجتماعی، مؤلفه‌هایی مانند همبستگی اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، حمایت اجتماعی، قانون‌گرایی، نظام خانواده، تدین و مذهب، علاقه اجتماعی و شکاف اجتماعی؛ و نهایتاً در حوزه دستگاه حاکمیت، مؤلفه‌هایی همچون مهاجرت، اثربخشی پلیس، نظام آموزش و پرورش، کارآمدی نظام اجرایی، طراحی شهری و رسانه‌ها از جمله موارد مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند.

**کلید واژه‌ها:** امنیت، امنیت اجتماعی، نخبگان حوزه امنیت

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع) karami901@st.atu.ac.ir

۲- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره) kiiumars@yahoo.com

## مقدمه

امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و مقدمه لازم برای حیات سیاسی و اجتماعی دولت‌ها به شمار می‌آید. (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۱). با این حال، امنیت واژه‌ای پیچیده و به لحاظ کاربرد، از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهم‌ترین مسائل بین دولت‌ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است. از این رو، ارائه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق درباره مفاهیم کلیدی همچون قدرت، تهدید و ساختارهای جامعه است (ماندل، بی تا؛ به نقل از کارگر، ۱۳۸۹: ۲۲). اکثر صاحب‌نظران بر این باورند که امنیت، مفهومی بیرونی و عینی و احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی است. امنیت در مفهوم عینی آن، اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهند گرفت، اشاره دارد (مولر، ۲۰۰۰: ۱۹۸)؛ بنابراین باید چنین نتیجه گرفت که امنیت دارای دو عنصر اساسی تهدید و فرصت است و برقراری امنیت، منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها است (خلیلی، ۱۳۸۱: ۷۹).

از این رو، امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویتشان در خطر است. به این معنا که امنیت اجتماعی، مقوله‌ای است که از طریق مردم و برای مردم ایجاد می‌شود (حسنی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). این روند، دلالت می‌کند که امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدهای واقعی و احتمالی مربوط می‌شود (نوبدینیا، ۱۳۸۴: ۸۱). مرور ادبیات پژوهشی در حوزه امنیت اجتماعی نیز بیانگر وجود رابطه بین امنیت اجتماعی با متغیرهایی نظیر مصرف رسانه‌ای (خواجهنوری و کاوه، ۱۳۹۲؛ هاشمیان، دهقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۲)، اعتماد اجتماعی (باری و هزارجریبی، ۱۳۹۱)، هویت (احمدی مقدم، ۱۳۸۹)، کیفیت زندگی (محمدی، بگیان و موسوی، ۱۳۹۱)، دین‌داری (پوراحمد، عیوض لو، حامد، عیوض لو و رضایی، ۱۳۹۱؛ هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی (نادری، جاهد و شیرزاده، ۱۳۸۹)، مشارکت سیاسی (هرسیج و محموداغلی، ۱۳۹۱)، مسئولیت اجتماعی (ایمان، مرادی و جلائیان، ۱۳۸۹) و عوامل اجتماعی (میرزایی، عبداللهی و کمریگی، ۱۳۹۰) است.

از آنجا که امنیت اجتماعی از یک سو، یکی از معرف‌های اساسی امنیت همه‌جانبه، در هر نظام اجتماعی محسوب می‌شود- به طوری که با توسعه پایدار آن در سطح جامعه استقلال و ثبات و نظم اجتماعی جامعه تقویت می‌گردد.- و از سوی دیگر، مصادیق بارز آن همچون حفظ و احترام به اعتقادات شهروندان، انسجام اجتماعی، نظم جمعی در جامعه، تأمین آسایش و رفاه اجتماعی، اعمال سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی کارآمد، ایجاد زمینه‌های لازم برای برخوردار بودن از احساس امنیت و آرامش اجتماعی و روانی در بین شهروندان، دستیابی به سطح مطلوب استانداردهای زندگی، بسترسازی مشارکت پایدار و آگاهانه شهروندان

در تصمیم‌گیری‌های نظام اجتماعی، تحکیم مبانی انسجام فرهنگی و همبستگی اجتماعی و استمرار شاخص‌های سرمایه اجتماعی در حوزه امنیت ملی از اهمیت فوق‌العاده بالایی برخوردار هستند؛ در ادبیات علمی و پژوهشی موجود، شاهد فقدان پژوهش‌های جامع هستیم.

با این وجود، مصداق‌سناسی امنیت اجتماعی و در نظر گرفتن برخی مسائل به‌عنوان مابه‌ازای امنیت اجتماعی، خصوصاً با در نظر گرفتن ماهیت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و نیز لزوم توجه با ملزومات بوم‌شناختی، این مبحث، به‌عنوان یک خلأ پژوهشی در میان تحقیقات این حوزه مطرح است؛ لذا ابعاد، عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت اجتماعی چه در نقش ایجابی (افزاینده) و چه در نقش سلبی (کاهنده) یک موضوع پژوهشی بسترساز برای دستیابی به یک الگو بومی در جهت سیاست‌گذاری و تدوین اسناد بالادستی این حوزه تلقی می‌گردد. بر اساس مطالب فوق، هدف پژوهش حاضر تعیین مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت است؛ به عبارت دیگر، مسئله این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت است و اینکه ابعاد اصلی امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت کدام‌اند؟

## مبانی نظری پژوهش

### امنیت و دیدگاه جامعه‌شناختی

تبیین‌های نظری در حوزه امنیت اجتماعی نیز انعکاسی از تلاش متخصصین و اندیشمندان برای برداشتن هرچه بیشتر ابهام‌ها و تناقضات در مورد امنیت و امنیت اجتماعی است. در این خصوص، صاحب‌نظران از رشته‌ها و حوزه‌های علمی گوناگون، از جمله علوم رفتاری، روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی بهره‌برداری‌های زیادی انجام داده‌اند. از منظر جامعه‌شناسی، سطوح متعددی برای امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده است که مهم‌ترین آن‌ها امنیت در سطح خرد و کلان است (نادری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۸). در سطح خرد، امنیت اجتماعی مورد بررسی در این دسته از رویکردهای جامعه‌شناسی، بر اساس مقتضیات خود شکل گرفته و با توجه به تقسیم‌بندی نیازهای انسانی به دو بخش اولیه و ثانویه، امنیت را به دو سطح اولیه و ثانویه تقسیم می‌کند. امنیت اولیه، ضامن تحقق نیازهای اولیه فرد است و امنیت ثانویه، ضامن برآورده شدن نیازهای دومین فرد است. امنیت اولیه، میان تمامی افراد بشری مشترک است، اما امنیت ثانویه از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌یابد. سطح کلان امنیت اجتماعی بر اساس کارکردهایی که «جمع» می‌تواند داشته باشد، مشخص می‌شود؛ بنابراین، امنیت جوامع در سایه استحکام‌بخشی به روابط

بین سرمایه‌ها یا همان جریان یافتن کارکردها فراهم می‌شود؛ لذا به تعداد کارکردها می‌توان از سطوح امنیت یادکرد (نوبدینا، ۱۳۸۸: ۶۱).

### امنیت و دیدگاه علوم سیاسی

از دیدگاه علوم سیاسی، مفهوم امنیت اجتماعی را می‌توان به کمک مکاتب گوناگون نظیر ایده‌آل‌گرایی، اثبات‌گرایی، فرا اثبات‌گرایی، نظریه سیستمی، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم و انتقادگرایی تبیین کرد. متفکران رویکرد پست‌مدرنیسم مفاهیمی مانند امنیت را نارسا دانسته‌اند. از نظر آن‌ها امنیت، مفهومی نسبی و سیال دارد و در هر جامعه و زمانی، معنای خاص، به خود می‌گیرد (روی، ۱۳۸۲: ۶۴۰). نظریه انتقادی در بحث امنیت اجتماعی، به دنبال این است تا آنچه به‌عنوان عقل سلیم پذیرفته می‌شود را به چالش بکشاند. این نظریه، فرض طبیعی بودن دولت به‌عنوان مرجع امنیت و عینی بودن تهدیدهای امنیتی را رد می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۹۹). با توجه به رویکرد نظریه سیستم‌ها، امنیت اجتماعی حاصل ایفای نقش‌ها و وظایف هریک از عناصر سیستم اجتماعی است که در قالب یکپارچگی اجتماعی و انسجام، به‌صورت یکی از مهم‌ترین کارکردهای سیستم اجتماعی در سطح جامعه تولید می‌شود (مجردی، ۱۳۹۱: ۱۹). در رهیافت فرا اثبات‌گرایی، بر این عقیده اصرار می‌شود که واقعیت‌ها، ساخته و پرداخته جامعه است. از این رو، مطالعات امنیتی بر فرایندهایی که از طریق آن افراد، جوامع و تهدیدها به‌مثابه «واقعیت‌های اجتماعی» ساخته می‌شوند و بر تأثیر این ساختارها بر نگرانی‌های امنیتی تأکید دارند (کرافت و تری، ۱۳۸۱: ۳۶۱). بر اساس دیدگاه اثبات‌گرایی، «دولت» مرجع امنیت بوده و امنیت، واقعیتی عینی است که باید در پی ایجاد آن بود و بر اساس کمیت و کیفیت تجهیزات نظامی، سنجیده می‌شود (عسکری، ۱۳۸۲: ۳۹۲).

### امنیت و دیدگاه روان‌شناختی

در دیدگاه علوم رفتاری و روانشناسی، نظریه نیازهای انسانی «مازلو»، «سایتس»، نظریه آزادی در برابر امنیت «فروم» و نظریه یادگیری اجتماعی «بندورا» از جمله مکاتبی هستند که در تبیین امنیت اجتماعی، گزاره‌های خاص خود را بیان نموده‌اند. بر اساس نظریه نیازهای انسانی، احساس امنیت، زمانی حاصل می‌شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود. در غیر این صورت انسان با ناامنی روبه‌رو می‌شود (برگرن و برژونسکوف، ۲۰۱۱: ۴۷۸). این نظریه، امنیت اجتماعی را شرایط مطمئنی می‌داند که ناظر بر زیست و بقای مستمر شرایط و وضعیت اقتصادی لازم برای کلیه افراد و گروه‌های بشری باشد (کریمی، ۱۳۸۷: ۴۶). «اریک فروم» نیز، تعارض بنیادی انسان را گرایش به آزادی در برابر گرایش به امنیت می‌داند. از دیدگاه فروم، افراد

به‌طور عمده تحت نفوذ نیروهای اجتماعی و فرهنگی هستند. انسان از یک سو برای به دست آوردن آزادی، با طبیعت و نظام‌های اجتماعی متحجر مبارزه کرده است و از سوی دیگر همین آزادی‌ها به احساس تنهایی و انزوای شدید و اضطراب بنیادی وی منجر شده است. به این ترتیب، انسان در عین حال می‌کوشد که از این آزادی بگریزد. «فروم» بیان می‌کند که افراد می‌کوشند از طریق سازوکارهای گریز، از آزادی بگریزند. این سازوکارها عبارت‌اند از: خودکامگی یا اقتدارطلبی، ویرانگری، پیروی و آزادی مثبت (کریمی، ۱۳۸۵). آنچه در دیدگاه «بندورا» امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند، مفهوم «جامعه‌پذیری» از طریق فرآیند یادگیری اجتماعی است. بندورا نقش جامعه‌پذیری را بسیار پراهمیت می‌داند که طی آن، افراد هنجارها و قواعد جامعه را برای خود درونی می‌کنند. امنیت اجتماعی عمومیت داشتن، گسترده بودن و مشترک بودن فرآیند جامعه‌پذیری افراد یک جامعه است و آنچه موجب ناامنی اجتماعی است، وجود سبک‌های مختلف جامعه‌پذیری است (شولتز و شولتز، ۱۳۸۳).

### امنیت و دیدگاه اسلام

روایات اسلامی دارای دیدگاه متعالی درباره مفهوم تحول یافته و پیچیده امنیت، در ابعاد همه‌جانبه معنوی، فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، اقتصادی، حقوقی و قضایی است و امنیت را در سایه عدالت و آزادی و بر پایه و ملاک ایمان الهی مستقر نموده است. در دیدگاه اسلام، امنیت مادی و دنیوی مردم، به نفع امنیت و طمأنینه معنوی مغفول واقع نگشته و کاملاً متعامل و هم پیوند با آن مورد ملاحظه قرار گرفته است. دیدگاه اسلامی امنیت، بر این مسئله تأکید دارد که ایمان و امنیت معنوی، مبنای اصلی کلیه ابعاد امنیت و سازوکارهای تأمین آن است به طوری که بین ابعاد امنیت با سازوکارهای تأمین هر کدام از آن‌ها، هم پیوندی و توازن عمیقی برقرار است و هرگونه قوت یا ضعف و ناامنی در یک بعد، بر سایر ابعاد و حوزه‌ها تأثیر اساسی می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که تأمین امنیت را باید به‌صورت همه‌جانبه نگریست و با ارتقای همزمان کلیه ابعاد امنیت، به تأمین آن پرداخت (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۶۴).

از سویی نیز، برخی محققین در مورد نحوه ارتباط دین و امنیت، از علم حقوق بهره می‌گیرند؛ به این معنا که هدف و غایت اصلی در علم حقوق - که به قول «پاوند» علم مهندسی اجتماعی است - حفظ امنیت می‌باشد. اسلام به‌عنوان یک نظام حقوقی جامع، که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی در همه زمان‌ها و مکان‌ها است، نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد. توجه به متون دینی و احکام و مقررات اسلامی کافی است که هم به اهمیت امنیت در همه عرصه‌ها از دیدگاه اسلام و هم راه‌حلهایی که اسلام برای تحقق بخشیدن به امنیت در جامعه اسلامی داده است، پی ببریم (نیکزاد، ۱۳۸۱). وطن دوست، ۱۳۸۶، در پژوهش

خود، قلمرو امنیت در دین اسلام را شامل امنیت فردی، جانی، حیثیتی، عقیده، روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نهایتاً سیاسی دانسته و برخی از عواملی که به تأمین امنیت اجتماعی کمک می‌کنند نظیر یگانگی و یکدلی، خوش‌بینی، عدالت اجتماعی، کار و اشتغال و حق محوری معرفی می‌کند. به اعتقاد وی ایمان، تشکیل حکومت، قانون و قاطعیت در اجرای آن، وحدت و برادری، بالا بردن فرهنگ عمومی مردم از جمله منابع تأمین امنیت در آموزه‌های اسلامی هستند (وطن دوست، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

از مجموع آیات و روایات، سازوکارهای تأمین امنیت فردی و اجتماعی را می‌توان به‌طور خلاصه این‌گونه ذکر کرد: تأکید بر اصل کرامت و ارزش والای انسان و حفظ حرمت، شرافت، شخصیت، حیثیت و حریم او چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی؛ تمهید و بسترسازی حیات معنوی و تکامل ایمان مردم در حیات فردی و اجتماعی و افزایش تربیت، تهذیب و تزکیه آحاد اجتماع و تشویق آن‌ها به انجام اعمال صالح؛ تأمین نظم متکی بر عدالت که در آن حقوق انسان‌ها از هر نوع تجاوز و تعرضی مصون باشد؛ و مقابله با ظلم و فساد و افساد و ایجاد هر نوع بی‌نظمی و اختلال در روابط فردی و اجتماعی و محیط نظام سیاسی و مقابله قانونی با خائنین، منافقین، مجرمین، بزهکاران و توطئه‌گران و تهدیدکنندگان امنیت (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۴۲). لک زایی، ۱۳۸۵، اهم اصولی که در تأمین امنیت مورد توجه رسول خدا<sup>(ص)</sup> بوده است را چنین برمی‌شمارد: صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان، مبارزه با جنگ‌افروزان و فتنه انگیزان، پرهیز از استبداد و اجبار، ظلم‌ستیزی، پایبندی به پیمان و برخورد با پیمان‌شکنان، پایبندی به قوانین الهی، درآمیختن نرمش و واقعیت، برقراری عدل و قسط و انفاق و رسیدگی به فقرا و محرومان (لک زایی، ۱۳۸۵: ۱۸۷). خلاصه آن که، گفتمان اسلامی در بحث از امنیت، در قیاس با موارد مشابه، چند ویژگی ممتاز دارد که به‌طور اجمالی چنین هستند: رویکردی ایجابی به امنیت دارد تا سلبی؛ در بحث از امنیت سازی، دارای طرحی پیچیده و چند منطقی متناسب با سطوح فعالیت انسان و نیازهای وی است و هرگز تک منطقی و ساده با آن برخورد نمی‌کند؛ به فرد و جایگاه سازنده وی در معادلات امنیتی تأکید ویژه دارد (افتخاری، شریعتمدار جزایری، لکزایی، ۱۳۸۵: ۱۴؛ افتخاری، ۱۳۸۳: ۴۲۵). ابراهیمی، ستوده و شیخون، ۱۳۹۱، با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات پیرامون امنیت از دیدگاه اسلام، به تدوین اصول نظریه امنیت در اسلام پرداخته‌اند که نتایج پژوهش آن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- سازوکارهای عملیاتی سازی امنیت در اسلام

اصول نظریه امنیتی اسلام	رابطه امنیت و جهاد در اسلام	صلح در اسلام
احترام به همه انسان‌ها و تضمین آزادی‌های دینی فراخوانی به برقراری عدالت بردباری بخشش و مدارا تحکیم روابط انسانی احترام به حقوق شهروندی شامل حق حیات، حق صیانت از اموال، حق آزادی، حق سرپناه، حق رأی و آزادی بیان	استثناء و مقید بودن جهاد منع خشونت و اقدام‌های وحشت‌آور جهاد در خدمت تأمین صلح، امنیت و آرامش انسان‌ها تدافعی بودن ماهیت جهاد شناخت موارد اقدام به جهاد	اصالت صلح همزیستی مسالمت‌آمیز با رعایت متقابل حقوق پایبندی متقابل به وظایف و مسئولیت‌ها تأکید بر عدالت اجتماعی و امنیت عمومی ارزشمندی صلح در به کمال رسیدن انسان

اقتباس از ابراهیمی، ستوده و شیخون، (۱۳۹۱، ص: ۲۰)

### امنیت و دیدگاه امامان انقلاب اسلامی

اصول و مبانی مکتب امنیتی امام خمینی<sup>(۵)</sup>، یک کل به‌هم‌پیوسته است، به‌گونه‌ای که حذف هر یک از آن‌ها مسیر حرکت را منحرف می‌کند. در درون این کل به‌هم‌پیوسته، برخی اصول همیشگی است؛ به این معنا که در هیچ شرایطی نمی‌شود از آن عدول کرد؛ بنابراین، اصول مزبور نسبت به دیگر اصول از اولویت و اهمیت برخوردارند. همان‌گونه که مفهوم امنیت در اسلام، در قالب مجموعه و کل - که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضائی، انسانی و مانند آن‌ها را در بر می‌گیرد - تعریف شده است، نگاه امام خمینی<sup>(۶)</sup>، به مفهوم امنیت نیز چون مبتنی بر مبانی دینی و الهی است، وسیع و چند بعدی است؛ بنابراین، برخلاف بسیاری از دیگر مکاتب امنیتی، امام خمینی<sup>(۶)</sup> امنیت را دالی پرمایه می‌پندارد که دامنه موضوعیت آن از نفس انسان و تضاد جنود شیطانی با رحمانی آغاز و مصادیق دیگر آن تا عینیات اجتماعی و به‌ویژه روابط میان بازیگران نظام بین‌الملل بسط پیدا می‌کند (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

امنیت اجتماعی در کلام امام خمینی<sup>(۶)</sup> به معنای وجود شرایط اجتماعی برای رشد استعدادها و انسان در ابعاد اجتماعی است؛ بنابراین، مصونیت افراد جامعه از تهدید مأموران دولتی و قضایی از شروط و مصادیق بارز چنین امنیتی به شمار می‌رود. امام خمینی<sup>(۶)</sup> در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و دیگر ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر نمود، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادی‌های شخصی و فردی آنها - به‌ویژه امنیت قضایی - به مواردی تصریح می‌کند که گویای دیدگاه و اندیشه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۳۹، به نقل از امیرخانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از محرومان و مظلومان و برخورد با مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و گسترش حاکمیت عدل و قانون با معیارهای الهی جستجو کرد (دری نجف آبادی، ۱۳۸۱: ۲۱۴). ابتکار، خلاقیت و شکوفایی استعدادها، افراد تنها در سایه آسایش فکر و امنیت جان، مال، ناموس و ایجاد فرصتی امن و برابر برای همگان امکان‌پذیر است. از این رو، امام خمینی<sup>(۵)</sup> به دستگاه‌های قضایی، امنیتی و حکومتی، توصیه‌هایی برای مراعات امنیت مردم دارد: «از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی درآمد بود، با جدیت سر و سامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست، عدالت اسلامی است، از این کرسی پراهمیت کوتاه نکنند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۲۴). در نهایت باید عنوان کرد که امام خمینی<sup>(۶)</sup> متأثر از رویکرد هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه خویش، نگاهی فرا دنیوی به مقوله امنیت داشته و بر همین اساس، ایشان فراتر از رویکردهای موجود، امنیت را حتی در سطح ملی و اجتماعی آن، در فرآیند شدن و غایت انسان - نیل به سعادت دنیوی و اخروی - دانسته و از این رو، ابعاد متنوع‌تری برای امنیت قائل بوده‌اند (درویشی، ۱۳۸۹: ۵۵). افتخاری و نه‌ازی، ۱۳۸۹، در پژوهش خود که به بررسی اندیشه و بیانات امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup> درباره امنیت پرداخته بودند، به نتایجی دست یافتند که در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲- اندیشه و بیانات امام خامنه‌ای<sup>(مدظله‌العالی)</sup> درباره امنیت اجتماعی

جهت‌گیری‌ها	نقاط تأکید (شاخص‌ها)
بعد مادی و معنوی امنیت	امنیت فضای زندگی محیط‌زیست فرهنگی فساد اخلاق بی‌بندوباری غربی رواج مشروبات الکلی دروغ‌گویی خشونت افراد علیه یکدیگر ستم به زنان (خشونت خانوادگی)
بعد ذهنی	تهاجم فرهنگی نظم اجتماعی ایمان به خدا اخلاق حسنه تعرض به مرزهای عقیدتی و ایمانی تبعیض و بی‌عدالتی
	تعرض به نوامیس مردمی، ناامنی ناموسی سرقت شرارت و لایابالی‌گری تخلف از مقررات ناامنی جاده‌ها اعتیاد و قاچاق مواد مخدر فساد سیاسی - فساد اداری تعرض به حیثیت و آبروی مردم
	ارزش‌های خانواده، زن و ازدواج اخلاق و عدالت اجتماعی اعتماد عمومی و ملکات انسانی، احساس مسئولیت وحدت کلمه و محبت به یکدیگر



سازمان تأمین اجتماعی سازمان بهزیستی نهادهای بیمه‌گر نهادهای فرهنگی و آموزشی	وزارت کشور نیروی انتظامی دستگاه قضائی کمیته امداد امام خمینی <sup>(۵)</sup>	بعد نهادی
--	--	-----------

اقتباس از افتخاری و نهازی، (۱۳۸۹: ۵۵)

## روش تحقیق

نوع تحقیق پژوهش حاضر، از نوع کیفی و با روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی انجام شده است و جامعه آماری این پژوهش را صاحب‌نظران و نخبگان حوزه امنیت تشکیل می‌دهد. در این پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. متناسب با نمونه‌گیری هدفمند، در پاسخ به این پرسش تحقیق «مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان کدام‌اند؟» صاحب‌نظران و نخبگان حوزه امنیت مورد توجه قرار گرفتند. این گروه شامل افرادی می‌شود که به دلیل تجربه و دانش ضمنی و سازمانی گسترده، دانش تخصصی، داشتن تألیفات و تصنیفات مرتبط با موضوع امنیت و ماهیت شغلشان جزو تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران اصلی حوزه امنیت اجتماعی محسوب می‌شوند. حجم نمونه در گروه مذکور بر اساس اشباع مقوله‌ها و اطلاعات شناسایی شده و تکمیل نظریه‌ای که توسط محقق صورت‌بندی شده، ۱۴ نفر است. محقق برای جمع‌آوری اطلاعات تحقیق، از مصاحبه استفاده نمود.

داده‌های حاصل از اجرای تحقیق، با استفاده از «نظریه مبنایی» مورد تحلیل قرار گرفت. برای این منظور، با بهره‌گیری از روش «گایزر» و «اشتراوس» (۱۹۶۷) برای مقایسه ثابت و استفاده از توصیه‌های «میلرز» و «هوبرمن» (۱۹۹۴) برای کدگذاری داده‌های کیفی، تمام فرایندهای توصیف‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در مصاحبه که مرتبط با مؤلفه‌های افزایش امنیت اجتماعی است، شناسایی و طبقه‌بندی شدند. این فرایند چند بار تکرار شد. نخست، متون بازنویسی شده مصاحبه‌ها خوانده شد تا درکی کلی از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به دست آید. کنار هر خط یا پاراگراف، حاشیه‌نویسی شد تا کدگذاری اولیه انجام گیرد. از این کدهای اولیه یک مقوله‌بندی عمومی برای پاسخ‌های افراد مشارکت‌کننده صورت گرفت.

سپس با مرتب‌کردن گروه‌بندی اولیه، برحسب مقوله‌ها و زیر مقوله‌های عینی، مضامین شناسایی شدند؛ لذا گروه‌بندی انجام شد و شباهت پاسخ‌ها و تعداد پاسخ‌ها نشان داده شدند. در ادامه، متن مصاحبه‌ها و حاشیه‌نویسی‌ها بازخوانی شد و تلاش شد عبارات تکراری و مطالب غیرمنتظره جستجو شوند تا در صورت امکان، شواهدی غیرمعمول از تجارب مشارکت‌کنندگان پیدا شود. درنهایت، پاسخ‌ها بر اساس مضامین اولیه، طبقه‌بندی نهایی گردیدند. در مرحله بعدی تحلیل، این مضامین دوباره مرور شدند تا میزان هماهنگی آن‌ها با

نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشی موجود و با چگونگی کمک آنها به درک مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی مشخص شوند. این کار بر اساس دو معیار انجام شد. اول؛ آیا این اطلاعات، نظریه شکل گرفته محقق را در مورد مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی، تأیید می‌کند؟ دوم؛ آیا در مورد تفسیر و گفته‌های مشارکت‌کنندگان از مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی، بینش تازه‌ای ارائه می‌دهد؟ در این مرحله و بر اساس معیارهای بیان‌شده، مضامین اولیه مجدداً نام‌گذاری شدند. سرانجام پاسخ‌ها دوباره خوانده‌شده و در یکی از مقوله‌ها قرار گرفت. این روش به محقق کمک کرد تا از مناسب‌بودن گروه‌بندی‌ها اطمینان حاصل نمایند.

### یافته‌های تحقیق

داده‌های پژوهش حاضر، شامل داده‌های توصیفی و داده‌های کیفی است. ابتدا داده‌های توصیفی شامل ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق در قالب جدول ارائه شد و سپس داده‌های کیفی تحقیق حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی عرضه شد.

جدول ۳- ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

افراد	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	سابقه شغلی	میزان تخصص
۱	مذکر	۳۷	فوق لیسانس	عضو هیئت‌علمی	۹	۴ مقاله
۲	مذکر	۳۹	دکتری تخصصی	عضو هیئت‌علمی	۸	۴ مقاله
۳	مذکر	۳۵	دکتری تخصصی	عضو هیئت‌علمی	۸	۲ مقاله
۴	مذکر	۴۳	لیسانس	نظامی	۲۱	کار تخصصی
۵	مذکر	۴۵	دکتری تخصصی	نظامی	۱۵	۴ مقاله
۶	مذکر	۴۰	لیسانس	نظامی	۱۷	کار تخصصی
۷	مذکر	۴۵	فوق لیسانس	نظامی	۲۲	کار تخصصی
۸	مذکر	۳۸	فوق لیسانس	نظامی	۱۱	کار تخصصی
۹	مذکر	۳۹	دکتری تخصصی	عضو هیئت‌علمی	۱۳	۵ کتاب
۱۰	مذکر	۵۲	لیسانس	نظامی	۲۷	کار تخصصی
۱۱	مذکر	۶۳	لیسانس	نظامی	۳۰	کار تخصصی
۱۲	مذکر	۵۰	دکتری تخصصی	عضو هیئت‌علمی	۲۸	۶ مقاله
۱۳	مذکر	۴۹	دکتری تخصصی	عضو هیئت‌علمی	۲۳	۳ مقاله
۱۴	مذکر	۶۸	فوق لیسانس	نظامی	۳۲	۱ کتاب

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد تعداد افراد شرکت‌کننده ۱۴ نفر و میانگین سنی افراد مصاحبه‌شونده ۴۵.۹ است. ۴ نفر دارای مدرک لیسانس، ۴ نفر دارای مدرک فوق لیسانس و ۶ نفر دارای مدرک دکتری تخصصی بوده‌اند.

در پاسخ به سؤال پژوهش حاضر مبنی بر اینکه «مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت شغلی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت چیست؟ و ابعاد امنیت اجتماعی کدام‌اند؟» پژوهشگر با جمع‌بندی کلی که با استفاده از یادداشت‌برداری، کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام‌شده، یافته‌های پژوهش را در قالب جدول شماره ۴ تدوین نموده است:

جدول ۴- تحلیل پاسخ‌ها و انجام کدگذاری‌ها بر اساس نظریه مبنایی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	محتوا و عبارات مهم
بخشی از مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت اجتماعی جزو سازه‌های شخصی افراد محسوب می‌شوند	مؤلفه‌های برخاسته از خود افراد جامعه	طرح‌واره‌های شخصی	افراد جامعه چگونه و تحت چه روشی بزرگ شده و تربیت یافته‌اند. افراد در مراحل رشدشان چه طرز تفکری نسبت به جامعه پیدا کرده‌اند
		نیاز به امنیت	افراد جامعه چقدر احساس ناامنی می‌کنند. نیاز به امنیت و احساس امنیت تا چه حد در افراد برآورده شده است
		ویژگی‌های شخصیتی	افراد باید با شخصیت سالم رشد یابند. میزان شیوع اختلال‌های شخصیتی در جامعه. جامعه‌ستیزی به‌عنوان یک اختلال شخصیتی مؤثر باید شناسایی و درمان شود
		جنسیت	بانوان کمتر از مردان احساس امنیت می‌کنند. خشونت نسبت به زنان بیشتر است.
		احساس محرومیت	افراد جامعه باید از امکانات عمومی بهره‌مند شوند. افراد چقدر نیاز به پیشرفت را در خود احساس می‌کنند. افراد باید عدالت در بهره‌مندی از امکانات را احساس نمایند
		احساس هویت	نوجوانان و جوانان جامعه باید هویت خود را به دست آورند. بحرانی هویت در سنین نوجوانی و جوانی به‌درستی حل شود. همانندسازی هویتی باید متناسب با ارزش‌ها باشد. جوانان باید در خود خودمختاری و استقلال شخصی را پرورش دهند. تقویت هویت ملی و تداوم هویت فرهنگی اقوام
		احساس تعلق	نیاز افراد جامعه به محبت و صمیمیت باید تأمین شود. افراد جامعه نباید دچار تنهایی و انزوا شوند. باید دید افراد به هنگام بحران چگونه از خود محافظت می‌کنند

بخشی از مؤلفه‌های مؤثر امنیت اجتماعی به ساختارهای نظام اجتماعی برمی‌گردد.	مؤلفه‌های برخاسته از جامعه	همبستگی اجتماعی	افراد جامعه باید در مسائل و مشکلات عمومی هم‌نوا شوند. باید میزان تشکیل گروه‌های اجتماعی و دوام آن‌ها را بررسی کرد
		پایگاه اجتماعی - اقتصادی	باید دید افراد جامعه در کدام دهک اقتصادی جامعه قرار دارند. میزان تحصیلات خانواده در چه سطحی است. میزان درآمد خانواده به چه میزان است
		حمایت اجتماعی	باید دید افراد به هنگام آسیب چگونه مورد حمایت خانواده و جامعه قرار می‌گیرند. به هنگام دیدن موارد ناامنی چقدر از دیگران حمایت می‌کنند. افراد باید مطمئن شوند که در صورت تعدی به آن‌ها مورد حمایت خانواده و دوستانشان خواهند بود.
		قانون‌گرایی	افراد باید از قوانین اجتماعی تبعیت نمایند. افراد جامعه باید در مورد قوانین جامعه آگاهی جامع داشته باشند. افراد باید حقوق شهروندی خود را بدانند و بدان ملتزم باشند. افراد باید عدالت اجتماعی را در زندگی خود درک کنند. افراد باید قاطعیت قانون را مشاهده نمایند. افراد باید بدانند و ببینند که در مورد قانون تبعیضی وجود ندارد.
		خانواده	نرخ ازدواج نرخ طلاق سن ازدواج از دید مراکز مشاوره خانواده میزان رجوع به دادگاه خانواده کودک‌آزاری و همسر آزاری
		تدین و مذهب	میزان اعتقاد و تقید به ارزش‌های دینی در افراد جامعه. میزان عمل به احکام دینی. میزان ارزش‌گذاری به مراسم و مناسبت‌های دینی. حضور در اماکن مذهبی. رعایت شعائر دینی در جامعه
		علاقه اجتماعی	افراد چقدر به برقراری ارتباط با دیگران متمایل‌اند. افراد جامعه چقدر دوستار دیگران هستند. افراد باید مشتاق حضور در مناسبات خانوادگی باشند. میزان اعتماد اجتماعی در چه حدی است
		شکاف اجتماعی	شکاف نسلی در خانواده‌ها چگونه است. خانواده‌های گسترده در مقایسه با خانواده‌های هسته‌ای در چه وضعیتی هستند.

			فاصله طبقاتی در جامعه چقدر مشهود است. اختلاف درآمدی در بین اقشار جامعه چگونه است؟ افراد تحت حمایت مراکز حمایت گر چه نسبتی از جامعه را تشکیل می‌دهند. پدیده فرار از خانه باید بررسی شود.
بخشی از مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت اجتماعی گویای کارکردهای دولت است	مؤلفه‌های برخاسته از دستگاه حاکمیتی	مهاجرت	حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها وجود خرده‌فرهنگ‌های متنوع در جوامع شهری
		اثر بخشی پلیس	مأموریت‌های موفق پلیس در حوزه امنیت اجتماعی. اعتماد مردمی به پلیس. اعتقاد به امنیت آفرینی پلیس نوع نگرش مردم نسبت به نهادهای امنیتی و پلیس میزان در دسترس بودن پلیس
		آموزش و پرورش	کارایی آموزش و پرورش تحقق اهداف آموزش و پرورش گسترده‌گی آموزش رایگان
		کارآمدی دولت	کنترل تورم و نرخ بیکاری توزیع عادلانه درآمدها ارزش پول ملی تقویت و تشویق فرهنگ کار آفرینی امنیت غذایی و درویی اشتغال‌زایی و محرومیت‌زدایی
		طراحی شهری	استفاده از اسلوب بومی در طراحی شهری کنترل مناطق جرم خیز شهری نوسازی بافت فرسوده شهری برخی از نقاط شهر جرم خیز است.
		رسانه‌ها	میزان استفاده از تلویزیون، رادیو میزان استفاده از روزنامه‌ها و مجلات میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آن میزان استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت، به سه حیطه فردی، اجتماعی و حاکمیتی دسته‌بندی می‌شوند. در حوزه فردی مؤلفه‌هایی نظیر طرح‌واره‌های شخصی، نیاز به امنیت، ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت، احساس محرومیت و احساس تعلق؛ در

حوزه اجتماعی، مؤلفه‌هایی مانند همبستگی اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، حمایت اجتماعی، قانون‌گرایی، نظام خانواده، تدین و مذهب، علاقه اجتماعی و شکاف اجتماعی؛ و نهایتاً در حوزه دستگاه حاکمیت، مؤلفه‌هایی همچون مهاجرت، اثربخشی پلیس، نظام آموزش و پرورش، کارآمدی نظام اجرایی (دولت)، طراحی شهری و رسانه‌ها از جمله موارد مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند.

### تجزیه، تحلیل و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی از دیدگاه نخبگان حوزه امنیت انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان دهنده این است که سه دسته از مؤلفه‌ها را می‌توان بر افزایش امنیت اجتماعی مؤثر دانست که عبارت‌اند از مؤلفه‌های برخاسته از «خود فرد» یا «عوامل فردی». در این حوزه مواردی نظیر طرح‌واره‌های شخصی (نحوه تفکر و شناخت حاصل از فرآیندهای رشد شخصی در محیط خانواده و اجتماع)، نیاز به امنیت - که به میزان احساس امنیت و رفع نیازهای اساسی افراد، دلالت دارد-، ویژگی‌های شخصیتی (ویژگی‌های شخصیتی یک متغیر مهم در پیش‌بینی رفتارهای بهنجار یا نابهنجار در بستر محیط‌های جمعی است)، جنسیت (زنان در مقایسه با مردان بیشتر آسیب‌پذیر بوده و در معرض خشونت هستند، لذا در بررسی‌های مربوط به امنیت اجتماعی، تفاوت‌هایی در نگرش آنان نسبت به امنیت وجود دارد)، احساس محرومیت (اینکه افراد جامعه چقدر وجود عدالت در جامعه را درک کرده و تبعیض در جامعه را اندک بشمارند عامل مهمی در ارتقای امنیت اجتماعی است؛ چراکه افراد نسبت به ارکان اجرایی نظام اعتماد کرده و از ضایع نشدن حقوق خود اطمینان حاصل می‌کنند) و احساس تعلق (هر چقدر، افراد جامعه تبادلات بین فردی خود را افزایش دهند و نسبت به هم روابط درستی مبنی بر حمایت، همدلی و محبت ایجاد نمایند و خود را جزو مؤثری در گروه‌های اجتماعی بدانند و نسبت به این گروه‌ها احساس تعلق کنند، ضریب امنیت اجتماعی افزایش خواهد یافت)؛ این موارد با افزایش امنیت فردی در بستر محیط‌های اجتماعی به‌طور غیر مستقیم بر افزایش امنیت اجتماعی در افراد جامعه مؤثر خواهند بود؛ بنابراین، مؤلفه‌های بالا بودن امنیت اجتماعی در حوزه فردی، موارد واسطه‌ای و مداخله‌کننده‌ای هستند که به‌طور غیر مستقیم عمل می‌کنند.

در حوزه اجتماعی، مؤلفه‌هایی مانند همبستگی اجتماعی (میزان پیوستگی و انسجام فرد با دیگران در گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی)، پایگاه اجتماعی- اقتصادی (به جایگاهی که فرد بر اساس موقعیت خانوادگی، درآمد و ثروت، سطح تحصیلات والدین و سایر اعضای خانواده و موقعیت مسکونی آنان به دست می‌آورد، اشاره دارد)، حمایت اجتماعی (اینکه افراد بدانند و تجربه کنند، در مواقع بحران و گرفتار شدن در یک

مشکل دیگران تا چه حد و چطور از آنان پشتیبانی می‌کنند)، قانون‌گرایی (شناخت قانون، رعایت قانون و اعتقاد به یکی بودن قانون برای همه و در نتیجه اطمینان از کارآمدی قانون عامل مهمی در امنیت اجتماعی و احساس آن در بین اعضای یک جامعه محسوب می‌شود)، نظام خانواده (خانواده از آن جهت که نقش اساسی در درونی کردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در بین اعضای خود دارد، عامل مهمی در تعیین متغیرهای مؤثر بر امنیت اجتماعی است)، تدین و مذهب (عقاید دینی و مذهبی در زمینه مسائل اجتماعی و میزان پایبندی افراد جامعه به گزاره‌های اساسی آن، شاخص مهمی در پیش‌بینی میزان امنیت اجتماعی است)، علاقه اجتماعی (اینکه افراد چقدر در مسائل و مشکلات دیگران درگیر می‌شوند و خواهان کمک به دیگران برای رشد و تعالی آنان هستند، مورد مهم دیگری در امنیت اجتماعی جامعه است) و شکاف اجتماعی (وجود شکاف نسلی، پدیده فرار از خانه، تعارض‌های خانوادگی و دایر شدن نهادهای مکمل خانواده) تأثیر زیادی بر شکل‌گیری امنیت اجتماعی دارد. این مؤلفه‌ها، به‌طور مستقیم و با استفاده از سازوکارهای اجتماعی هر جامعه‌ای، به بروز و ظهور پدیده امنیت و ناامنی در جامعه منجر می‌شوند. نهایتاً حوزه دیگری که در این پژوهش به‌عنوان خواستگاه اصلی پیدایش امنیت اجتماعی در جامعه کشف شد، عملکرد دستگاه حاکمیتی است؛ مؤلفه‌هایی همچون مهاجرت، اثربخشی پلیس، نظام آموزش و پرورش، کارآمدی نظام اجرایی (دولت)، طراحی شهری و رسانه‌ها از جمله موارد مؤثر بر افزایش امنیت اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند. این مؤلفه‌ها به‌طور مستقیم بر افزایش امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارند. به این معنا که بخشی از فضا سازی در مورد امنیت اجتماعی بر عهده دولت و دستگاه حاکمیت است.

یافته‌های این پژوهش، با سایر پژوهش‌های موجود در حوزه امنیت - که نشان دهنده وجود ارتباط بین امنیت اجتماعی با متغیرهای فردی و اجتماعی و حاکمیتی است - همسو می‌باشد. در این راستا پژوهش‌هایی که امنیت اجتماعی را با متغیرهایی نظیر مصرف رسانه‌ای (خواجه نوری و کاوه، ۱۳۹۲؛ هاشمیان، دهقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۲)، اعتماد اجتماعی (باری و هزارجریبی، ۱۳۹۱)، هویت (احمدی مقدم، ۱۳۸۹)، کیفیت زندگی (محمدی، بگیان و موسوی، ۱۳۹۱)، دین‌داری (پوراحمد، عیوض لو، حامد، عیوض لو و رضایی، ۱۳۹۱؛ هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی (نادری، جاهد و شیرزاده، ۱۳۸۹)، مشارکت سیاسی (هرسیج و محموداغلی، ۱۳۹۱)، مسئولیت اجتماعی (ایمان، مرادی و جلائیان، ۱۳۸۹) و عوامل اجتماعی (میرزایی، عبداللهی و کمربگی، ۱۳۹۰) مرتبط می‌دانند، قابل ذکر هستند. یافته‌های این پژوهش مؤید یافته‌های پژوهش مختاری و همکاران، (۱۳۹۱) و جهانگیری و مساوات، (۱۳۹۲)، است که نشان دادند، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی؛ مواردی نظیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دین‌داری، نگرش نسبت به عملکرد پلیس، وضعیت تأهل، رضایت از وضعیت ظاهری، حمایت خانواده، چگونگی برخورد دیگران و تعهد مذهبی هستند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که امنیت، خصوصاً نوع اجتماعی آن یک مفهوم نظری صرف نیست که فقط به صورت انتزاعی بخواهیم آن را مورد مطالعه قرار دهیم. امنیت اجتماعی یک واقعیت اجتماعی است که توسط افراد یک جامعه خلق شده و در آن کنشگران مختلفی با جهت‌گیری‌های خاص، درگیر هستند. در گذر این رویکرد پژوهشی، مصادیق بارزی - که به نحوی، هم وجودشان دلالت بر امنیت اجتماعی دارد و هم دلالت بر معیار و شاخص بودن برای امنیت اجتماعی - در ساختار امنیت اجتماعی، از روابط چرخشی میان فردی (کنشگران جامعه)، جامعه (ملت) و دستگاه حاکمیتی (دولت) بهره می‌گیرد؛ لذا نمی‌شود با اعمال فرآیند خطی و صرفاً با فعال کردن دستگاه حاکمیتی، امنیت اجتماعی را در سطح جامعه افزایش داد. ضروری است در سیاست‌گذاری این حوزه پیچیده امنیت به این روابط چندگانه و چرخشی و بازخوردهای نظام مند، توجه قابل‌ملاحظه‌ای صورت گیرد. این پژوهش در رابطه با فرض‌های نظری قائل به این مسئله مهم است که رویکردهای تدوین‌شده در جمهوری اسلامی ایران - چه در نگاه به میراث اسلامی و چه در نگاه به تدابیر امامان انقلاب - به لحاظ کاربردی در جامعه، تقریباً موارد و مسائلی را مطرح ساخته‌اند که جزو یافته‌های این پژوهش داده بنیاد است؛ لذا مؤلفه‌های کشف‌شده در این پژوهش نیاز به تبیین نظری بر اساس رویکردهای مذکور دارد.

یافته‌های این پژوهش، نهادهای مرتبط با تأمین امنیت را فراتر از دستگاه قضایی - حقوقی، نظامی و انتظامی دانسته و تمام ارگان‌ها و اداراتی را که به نحوی با بهزیستی، آرامش و سعادت دنیوی و اخروی مردم در ارتباط هستند، را دخیل می‌داند. نتایج این پژوهش نشان داد که مفهوم امنیت یک مفهوم انتزاعی و زاینده ذهن تحلیلگران سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه یک معنای عینی در زندگی بشر بوده که در نموده‌های مختلف ساحت زندگی، بروز می‌یابد و تمام جنبه‌های زندگی فرد؛ اعم از شخصی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، معنوی و سیاسی را به یک اندازه تحت تأثیر قرار می‌دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و راهبری درست و صحیح این نمودها، بیش از هر روش دیگری می‌توان امنیت و ابعاد آن را در کشور نهادینه ساخت.



## کتابنامه

- ابراهیمی، شهروز؛ ستوده، علی اصغر و شیخون، احسان (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم*. مجله مطالعات جهان اسلام، شماره ۴، صص ۱-۲۸
- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۸۹). *امنیت اجتماعی و هویت*. فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۱۳۴-۱۵۱
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹). *امنیت: ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در روایات*. مجله حکومت اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). *مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت: گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی*. مجله مطالعات راهبردی، شماره ۲۵، صص ۴۲۵-۴۵۲
- افتخاری، اصغر؛ شریعت مدار جزایری، سید نورالدین و لکزایی، نجف (۱۳۸۵). *امنیت در اسلام*. مجله علوم سیاسی، شماره ۳۴، صص ۷-۵۰
- افتخاری، اصغر و نهازی، غلامحسین (۱۳۸۹). *امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری*. مجله دانش انتظامی، شماره ۴۸، صص ۷-۵۰
- امیرخانی، کاوه (۱۳۹۰). *مکتب امنیتی امام خمینی (ره)*. مجله مطالعات راهبردی. شماره ۵۴، صص ۷۹-۱۰۴
- ایمان، محمدتقی؛ مرادی، گلمراد و جلائیان، وجیهه (۱۳۸۹). *بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و احساس امنیت اجتماعی* (مورد مطالعه شهر مشهد). فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۲۱-۴۴
- پوراحمد، احمد؛ عیوض لو، محمود؛ حامد، محبوبه؛ عیوض لو، داود؛ رضایی، فرشته (۱۳۹۱). *بررسی رابطه دین‌داری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی* (مطالعه موردی: شهرستان کوه دشت). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شال اول، شماره اول، صص ۱-۲۰
- حسنی، قاسم (۱۳۸۴). *بررسی رابطه بیگانی سیاسی- اجتماعی با مشارکت سیاسی- اجتماعی و امنیت ملی*. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳، صص ۱۰۸-۱۲۱
- خواجه نوری، بیژن و کاوه، مهدی (۱۳۹۲). *مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی*. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، صص ۵۷-۷۸

- خلیلی، رضا (۱۳۸۱). *مهاجرت نخبگان، پدیده‌های اجتماعی یا موضوع امنیت ملی*. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۵، شماره ۲، صص ۵۴-۸۹
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۹). *ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)*. مجله مطالعات راهبردی، شماره ۴۹، صص ۵۵-۸۲
- دری نجف آبادی، قربانعلی (۱۳۸۱). *حکومت علوی، هدف‌ها و مسئولیت‌ها*. تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری
- روی، پل (۱۳۸۲). *معمای امنیت اجتماعی*. ترجمه منیژه نویدنیا. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۳، صص ۶۰۵-۷۰۸
- عسگری، محمود (۱۳۸۲). *رهیافت‌های شناخت‌شناسی امنیت*. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۲، صص ۳۸۳-۴۰۳
- کارگر، بهمن (۱۳۸۹). *فضا، جامعه و امنیت اجتماعی در حاضیه جنوبی کلان‌شهر تهران* (شهرستان اسلامشهر). فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۴-۴۲
- کرافت، استوارت و تری، کریفت (۱۳۸۱). *چرخش به سوی پست پوزیتویسم*. ترجمه علیرضا طیب. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۵، شماره ۲، صص ۳۵۹-۳۸۲
- لک زایی، نجف (۱۳۸۵). *اصول رهیافت امنیتی پیامبر (ص) در قرآن کریم*. مجله علوم سیاسی، شماره ۳۵، صص ۱۸۷-۲۰۲
- مجردی، سعید (۱۳۹۱). *اینترنت و امنیت اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- محمدی، جواد؛ بگیان محمد جواد و موسوی، سهراب (۱۳۹۱). *بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی با کیفیت زندگی زنان شهر کرمانشاه*. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۱، صص ۱۴۳-۱۵۶
- میرزایی، محمد؛ عبدالهی، زهرا و کمربگی، خلیل (۱۳۹۰). *بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار* (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام). فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۶۵-۸۷
- نادری، حمدالله؛ جاهد، محمدعلی و شیرزاده، میهن دخت (۱۳۸۹). *بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی* (مطالعه موردی شهر اردبیل). فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۸۱-۱۰۹
- نادری، حمید و همکاران (۱۳۸۹). *بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی* (مطالعه موردی شهر اردبیل). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۵۹-۸۷

نوروزی، فرهاد و فولادی سپهر، سجاد (۱۳۸۸). *بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵ - ۲۹ ساله تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن*. فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۳، صص: ۱۲۹-۱۵۹  
 نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴). *درآمدی بر امنیت اجتماعی*. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۵، شماره دوم، صص ۷۹-۱۰۱

نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸). *امنیت اجتماعی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی  
 نیکزاد، عباس (۱۳۸۱). *دین و امنیت*. مجله رواق اندیشه، شماره ۱۵، صص ۹-۲۸  
 وطن دوست، رضا (۱۳۸۶). *نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی*. مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۵، صص ۹۵-۱۲۰

هاشمیان، علی؛ دهقانی، حمید و اکبرزاده، فاطمه (۱۳۹۲). *تأثیر دین‌داری و رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان*. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۲، شماره ۶، صص ۵۳-۷۲

هرسیج، حسین و محموداغلی، رضا (۱۳۹۱). *بررسی رابطه مشارکت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی*. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۲، صص ۱-۲۰

یاری، حامد و هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۱). *بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان* (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۴، صص ۳۹-۵۸

BERGGREN, N. & BJORNSKOV, C. (2011). Is the importance of religion in daily life related to social trust?: cross-country and cross-state comparisons. *Journal of economic behavior & organization*, VOL. 80, p.p. 459-480.

MOLLER, B. (2000). National, societal and human security: discussion-case study of the Israel-Palestine conflict.